

تبیین و پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج در رابطه زوجین شهر تهران

Explain and Predict Emotional Divorce based on Avoidant Attachment Style, Ambivalent/Anxious Attachment Style and Realistic Marriage Expectations in the Relationship of Couples in Tehran

Shabnam Yasbolaghi Sharahi

M.A. in Clinical Psychology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Mojtaba Sedaghatifard (Corresponding Aouthor)

Asistant Prof of Social Science, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Email: sedaghati_fard@yahoo.com

abstract

Aim: The purpose of this research is to explain and predict emotional divorce based on avoidant attachment style, ambivalent/anxious attachment style and realistic marriage expectations in the relationship of couples in Tehran. **method:** The current research is descriptive-survey and correlation type. The statistical population of the present study included all married individuals referring to counseling and psychological service centers in District 1 of Tehran in the spring of 2024, of which 160 were selected as a sample using a random sampling method. Research data were collected using Gottman emotional divorce questionnaire (1998), Collins and Reed adult attachment scale (1990), and Nelson and Jones (1996) marriage expectations scale. Data analysis was done in two parts, descriptive and inferential, using Pearson's correlation coefficient and multiple linear regression tests by SPSS version 26 software. **Results:** The results showed that there is a significant positive relationship between avoidant attachment style and ambivalent/anxious attachment style with emotional divorce. Also, there is a significant negative relationship between realistic marriage expectations and emotional divorce. **Conclusion:** Therefore, it can be concluded that avoidant attachment style, ambivalent/anxious attachment style and realistic marriage expectations predict emotional divorce in couples.

Keywords Emotional Divorce, Avoidant Attachment Style, Ambivalent/Anxious Attachment Style, Realistic Marriage Expectations

شبنم یاسبلاغی شراهی

کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

مجتبی صدقاتی فرد (نویسنده مسئول)

استادیار علوم اجتماعی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف، تبیین و پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج در رابطه زوجین شهر تهران انجام شده است. **روش:** پژوهش حاضر توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی منطقه ۱ شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۳ بود، که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۱۶۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده‌های پژوهش با استفاده از پرسشنامه‌های طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۸)، مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید (۱۹۹۰) و مقیاس انتظار از ازدواج نلسون و جونز (۱۹۹۶) جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۶ انجام شد. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی با طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین، بین انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج با طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد. **نتیجه‌گیری:** بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج، طلاق عاطفی را در رابطه زوجین پیش‌بینی می‌کنند.

کلمات کلیدی: طلاق عاطفی، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی

دوسوگرا/اضطرابی، انتظار از ازدواج واقع‌بینانه

مقدمه

خانواده^۱ نخستین و کوچکترین نهاد اجتماعی است که سلامت اعضای آن در سلامت جامعه نقش به‌سزایی دارد (گلدنبرگ و گلدنبرگ^۲، ۲۰۱۲). همچنین، نقش مهمی در رشد روانی، عاطفی و اجتماعی افراد ایفا می‌کند (چرلین^۳، ۲۰۱۰). خانواده بر پایه ازدواج^۴ شکل می‌گیرد و به‌عنوان پیمانی اجتماعی و عاطفی میان دو فرد، بستری برای تأمین نیازهای عاطفی، اقتصادی و تربیتی فراهم می‌سازد (آماتو^۵، ۲۰۱۴).

طبق شواهد، در عصر حاضر مشکلات و تعارضات زناشویی به شدت افزایش یافته و زوجین در برقراری و حفظ روابط خود دچار مشکل هستند. وجود تعارض بین زوجین امری عادی تلقی می‌شود که ممکن است به دلایلی همچون برآورده نشدن انتظارات و یا اختلاف نظر باعث بروز پرخاشگری، غم، ناامیدی و ناخشنودی بین زوجین می‌شود. از جمله عواملی که می‌تواند به این تعارضات دامن بزند، می‌توان به فشارهای اجتماعی- اقتصادی، تغییر شکل نظام خانواده، اشتغال طرفین، مدرنیته شدن جوامع و غیره اشاره کرد. پس در نتیجه خانواده، این رکن مهم که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته، از زمان شکل‌گیری می‌تواند دچار صدمات و بحران‌های جدی گردد (یکانی‌زاد و همکاران، ۱۴۰۱).

طلاق عاطفی^۶ به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن زوجین به‌صورت قانونی همچنان با یکدیگر زندگی می‌کنند اما از نظر هیجانی از هم جدا شده‌اند (الحربی و القحطانی^۷، ۲۰۲۱). این افراد دچار فاصله عاطفی، کاهش صمیمیت و ضعف در ارتباط مؤثر می‌شوند (کایسر^۸، ۱۹۹۳). معمولاً افرادی که دچار طلاق عاطفی می‌شوند به دلایلی مانند ترس از قضاوت دیگران، نگرش منفی نسبت به زنان مطلقه، ترس از تنهایی، ناتوانی در تأمین مخارج زندگی و باورهای نادرست، به ناچار با همسر خود زیر یک سقف زندگی می‌کنند و زن و شوهر هستند، همچنین طلاق به شکل رسمی و واقعی صورت نمی‌گیرد. به طور کل طلاق عاطفی می‌تواند جنبه‌های زیادی از زندگی را تحت تأثیر خود قرار دهد (وطن‌خواه و همکاران، ۱۴۰۰).

این افراد در محیط‌های اجتماعی، کاملاً مناسب و خوب به نظر می‌رسند اما در حقیقت هیچ عشق و علاقه‌ای نسبت به یکدیگر ندارند. این رخداد، نه به عنوان مشکلی گذرا بلکه به عنوان وضعیتی پایدار در نظر گرفته می‌شود (موتاتایانو^۹، ۲۰۱۵). طلاق عاطفی می‌تواند بر اثر عواملی مانند خیانت، مسائل مالی، بیماری، عدم تأمین نیازهای عاطفی، نارضایتی جنسی و نبود جذابیت ظاهری شکل گیرد و منجر به بروز مواردی همچون ناامیدی و نگرش بدبینانه درباره خود گردد (لومینیتا و اسپرانتا^{۱۰}، ۲۰۱۰). همچنین تحقیقات جدید نشان داده‌اند که طلاق عاطفی به طور مستقیم با افزایش افسردگی،

¹ Family

² Goldenberg & Goldenberg

³ Cherlin

⁴ Marriage

⁵ Amato

⁶ Emotional Divorce

⁷ Alharbi & Alqahtani

⁸ Kayser

⁹ Motataianu

¹⁰ Luminita & Speranta

اضطراب و احساس تنهایی در میان زنان و مردان متأهل مرتبط است و این امر می‌تواند زمینه‌ساز مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌تری باشد (قطب^۱ و همکاران، ۲۰۲۳).

در جامعه ایران، بیش از ۷۰ درصد زوجین دچار مسئله طلاق عاطفی هستند، اما به دلایلی نظیر داشتن فرزند و مشکلات اقتصادی-اجتماعی از طلاق رسمی اجتناب کرده و به زندگی خود ادامه می‌دهند. زنانی که دچار طلاق عاطفی هستند، ممکن است به دلیل نداشتن سرپناه، نداشتن پشتوانه و تکیه‌گاه مجبور به ادامه زندگی با همسر خود باشند که مشکلات متعددی را در پی خواهد داشت. میزان رضایت از زندگی آنان کاهش یافته و نسبت به مسائل و مشکلات آسیب‌پذیرتر می‌شوند. اگر سطح سواد پایین‌تری داشته باشند یا از مهارت‌های اجتماعی برخوردار نباشد، شرایط دشوارتری را تجربه خواهند کرد (دهقانی تفتی و همکاران، ۱۳۹۸).

از مهم‌ترین عوامل در تعاملات زوجین می‌توان به سبک‌های دلبستگی^۲ اشاره کرد که تأثیر قابل توجهی در شکل‌گیری روابط زناشویی دارد. سبک‌های دلبستگی در بزرگسالی بر اساس روابط کودک و والد در دوران کودکی شکل می‌گیرند و می‌توانند باعث ایجاد مشکلات عاطفی، شغلی، تحصیلی و ازدواج در آینده شوند. به گفته هازن و شیور^۳ (۱۹۸۷)، دلبستگی در روابط عاطفی بزرگسالی بروز می‌یابد و نوعی پاداش ازدواج تلقی می‌شود. به گفته بالبی^۴ (۱۹۶۹) سه عامل در رضایت زناشویی زوجین اثرگذار است؛ ۱- رضایت زناشویی والدین ۲- داشتن دوران کودکی همراه با شادی ۳- نداشتن تعارض با مادر (سرخابی عبدالملکی و همکاران، ۱۴۰۱).

دلبستگی پیوند پایدار هیجانی بین دو نفر است، به گونه‌ای که هر یک تلاش می‌کنند به شکلی نزدیکی با موضوع دلبستگی را حفظ کنند که ارتباط ادامه یابد (یانگ^۵ و همکاران، ۲۰۱۶). یکی از عواملی که در طلاق عاطفی نقش دارد سبک دلبستگی است. دلبستگی ایمن بیانگر دیدگاه مثبت و سازگاران، و دلبستگی ناایمن بیانگر دیدگاه منفی و ناسازگاران با خود و دیگران است. مطالعات هیرشبرگر^۶ و همکاران حاکی از آن بود که دلبستگی ایمن و رضایت زناشویی با طلاق عاطفی رابطه معنادار منفی، و دلبستگی ناایمن با طلاق عاطفی رابطه معنادار مثبت داشت (احمدلو و زینالی، ۱۳۹۶). سبک دلبستگی ایمن به ایجاد روابط پایدار و رضایت‌بخش کمک می‌کند، در حالی که سبک‌های دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) با تعارضات بیشتر و افزایش احتمال گسست هیجانی در روابط همراه هستند (میکولینسر^۷ و شیور، ۲۰۱۹).

یکی از زیان‌بارترین عوامل مؤثر بر طلاق عاطفی و رسمی زوجین، باورها و انتظارات غیرواقع‌بینانه و آرمانی آنها از ازدواج است. همه افراد پیش از ازدواج از همسر آینده خود تصورات و انتظاراتی در ذهن دارند که برحسب پیش فرضی از قبل وجود داشته و لزوماً با واقعیت منطبق نیستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند بسیاری از افراد در پی این هستند که با

¹ Qutb

² Attachment Styles

³ Hazan & Shaver

⁴ Bowlby

⁵ Yang

⁶ Hirschberger

⁷ Mikulincer

توقعات غیرواقع‌بینانه خود، خلاءهای موجود در زندگی قبل از ازدواج را پر کنند. انتظار از ازدواج پدیده‌ای شناختی است، زیرا اشکال در آنها می‌تواند زندگی زناشویی افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد (حاج رضائی، ۱۳۹۸). عوامل متعددی همچون تحصیلات، سن، شغل، نگرش نسبت به جنسیت می‌توانند بر نوع و میزان انتظار از ازدواج تأثیر بگذارند. یکی از مهم‌ترین عوامل در پیش‌بینی طلاق زوجین، انتظارات و تصورات غیرواقع‌بینانه افراد از ازدواج و زندگی مشترک است. در این بین، دیدگاه زنان و مردان نسبت به این موضوع متفاوت است (خداپرست و همکاران، ۱۴۰۰). انتظارات غیرواقعی و ایده‌آل‌گرایانه می‌توانند ناامیدی و سرخوردگی در زندگی مشترک ایجاد کنند، در حالی که انتظارات واقع‌بینانه زمینه را برای سازگاری بیشتر و کاهش تعارضات میان زوجین فراهم می‌سازند (گوینز^۱، ۲۰۲۰). پژوهش‌های جدید نشان داده‌اند که تمایلات فردی و انتظارات افراد در ازدواج، می‌توانند به طور معناداری طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند (براتی و عسگری، ۲۰۲۳).

خانواده ممکن است آسیب‌های بسیاری را متحمل شود که طلاق یکی از انواع این آسیب‌هاست. فرآیند طلاق از اختلافات و مشکلات جزئی و کم اهمیت شروع می‌شود، با بیشتر شدن این مشکلات و تعمیق یافتن آنها به مسائل مهم و زیر بنایی زندگی پیش‌روی می‌کند و نهایتاً در مرحله آخر منجر به بی‌میلی یکی از طرفین نسبت به شریک زندگی خود یا بی‌میلی هر دوی آنها نسبت به یکدیگر، قهر و بحث‌های مکرر و طولانی، عدم تحمل درگیری‌ها و شرایط موجود و طلاق عاطفی و قانونی می‌گردد. آسیب‌های طلاق عاطفی برای سایر اعضای خانواده می‌تواند بسیار زیان‌بارتر از طلاق شرعی و قانونی باشد. ممکن است باعث فرار فرزندان از محیط خانواده و افزایش فردگرایی شود که به خودی خود می‌تواند شرایط را برای گسستگی روابط و کاهش تعامل اعضا را فراهم آورد. این موضوع منجر می‌شود تا افراد علاقه‌ای به سپری کردن اوقات خود در کنار هم نداشته باشند و بیشتر وقتشان را در محیط خارج از خانه و در جامعه‌ای ناامن همراه با دوستان خود سپری کنند که این موضوع می‌تواند زمینه‌ای برای شروع رفتارهای پرخطر و مخرب همچون روابط نامشروع، اعتیاد به مواد مخدر، افسردگی و سایر مشکلات از این دست را فراهم سازد (فداکار، ۱۳۹۵).

بنابراین انجام پژوهش در حوزه طلاق عاطفی از اهمیت بالایی برخوردار است. از آنجایی که این پدیده با سرعت زیادی در سطح جهان رو به افزایش است و همچنین احساس امنیت، آرامش و سایر مؤلفه‌های خانواده را تحت الشعاع قرار می‌دهد، توجه بسیاری از کارشناسان را به خود جلب کرده است. این مسئله علاوه بر نسل‌های آینده، بر شرایط و موقعیت زنان بسیار تأثیرگذار است. زنان بدون شک با قرار گرفتن در شرایط زندگی همراه با طلاق عاطفی، دچار آسیب‌های فراوانی می‌شوند که می‌توان به طلاق قانونی، خشونت، مشکل در تربیت فرزندان، اقدام به خودکشی، روابط خارج از خانواده و فرازناشویی و غیره اشاره کرد (افراسیابی و دهقانی دارامرود، ۱۳۹۵).

بنابراین هدف اصلی این پژوهش پاسخگویی به این سوال است که آیا سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه توانایی تبیین و پیش‌بینی طلاق عاطفی در رابطه زوجین را دارند یا خیر؟

¹ Gubbins

روش

این پژوهش با توجه به موضوع، اهداف و فرضیه‌ها از نوع مطالعات کاربردی بود. همچنین، از نظر ماهیت جزء پژوهش - های توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد و روش پژوهش مورد استفاده آن در راستای پیگیری اهداف تحقیق، روش پیمایشی است. جهت بررسی موضوع پژوهش حاضر، از میان روش‌های مختلف جمع‌آوری اطلاعات، از پرسشنامه‌های استاندارد و مرتبط با متغیرهای تحقیق استفاده شد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی منطقه ۱ شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۳ بود، که با توجه به گستردگی جامعه آماری و پراکندگی نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۱۶۰ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب شدند.

ابزار

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن: این پرسشنامه برگرفته از کتاب موفقیت یا شکست در ازدواج نوشته جان گاتمن در سال (۲۰۰۸) می‌باشد و شامل جملاتی درباره جنبه‌های مختلف زندگی است که ممکن است فرد با آن موافق یا مخالف باشد. این پرسشنامه تعاملی بوده و فاقد مؤلفه است (رمضانی فر و همکاران، ۱۴۰۰). این پرسشنامه ۲۴ گویه دارد که به شیوه بله یا خیر باید به آن پاسخ داد و شیوه نمره‌گذاری آن به این صورت است که پاسخ بله امتیاز (۱) و پاسخ خیر امتیاز (۰) دریافت می‌کند. هر چه نمره فرد بیشتر باشد، احتمال طلاق عاطفی نیز بیشتر است. اگر نمره فرد مساوی یا بیشتر از ۸ باشد، زندگی زناشویی در معرض خطر قرار می‌گیرد. نمره بین ۰ تا ۸ به معنای احتمال ضعیف جدایی در زندگی است. نمره ۸ تا ۱۶ بیانگر احتمال متوسط جدایی در زندگی می‌باشد و نمره بالاتر از ۱۶ نشانگر احتمال بالای جدایی در زندگی است. در پژوهش مامی و عسگری، آلفای کرونباخ برای پایایی پرسشنامه ۰/۸۳ ذکر شده است. همچنین روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید، مطلوب گزارش شده است. گاتمن میزان اعتبار این مقیاس را ۰/۷۵ و بریدیت و همکاران (۲۰۱۰) ۰/۸۳ به دست آوردند. موسوی و همکاران (۱۳۹۴) نیز آلفای کرونباخ را ۰/۹۳ گزارش دادند. روایی صوری این پرسشنامه نیز توسط اعضای هیئت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تایید شده است (جلالوند و همکاران، ۱۴۰۰).

پرسشنامه بازنگری شده مقیاس دلبستگی بزرگسال کولینز و رید ۱۹۹۰ (RAAS): مقیاس تجدیدنظر شده دلبستگی بزرگسال توسط کولینز و رید تهیه و تنظیم گردید که مهارت‌های ایجاد روابط و شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی را در قالب سه سبک دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی بر اساس ویژگی‌های صفتی و نه ویژگی‌های وابسته به حالت بررسی می‌کند (کولینز، ۱۹۹۰). این مقیاس شامل خود-ارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود-توصیفی شیوه شکل‌دهی به دلبستگی‌های نزدیک است. این پرسشنامه دارای ۱۸ ماده بوده که روی مقیاس ۵ درجه‌ای از نوع لیکرت (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود (لطفی و کراسکیان مومباری، ۱۴۰۰). این پرسشنامه دارای سه خرده مقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی اضطرابی و دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی می‌باشد (صلاحی

¹ Revise Adult Attachment Scale

و همکاران، ۱۴۰۱). این پرسشنامه در ایران بر روی ۴۶۸ نفر از دانشجویان علوم پزشکی ایران انجام شد. اعتبار و پایایی آن از طریق همسانی درونی هر یک از خرده مقیاس‌های آن با روش آلفای کرونباخ به این صورت است: خرده مقیاس اضطراب = ۰/۷۹، خرده مقیاس وابستگی = ۰/۵۵ و خرده مقیاس نزدیک بودن = ۰/۴۸ (لطفی و کراسکیان موجمباری، ۱۴۰۱).

مقیاس انتظار از ازدواج (MES): این پرسشنامه توسط نلسون و جونز (۱۹۹۶) تهیه گردیده است و دارای ۴۰ گویه می‌باشد و انتظارات افراد از ازدواج را در ابعاد مختلف (انتظار واقع‌گرایانه، انتظار ایده‌آل‌گرایانه و انتظار بدبینانه) ارزیابی می‌کند (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۸). نمره‌گذاری این پرسشنامه از طریق یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) انجام می‌شود. بنابراین، حداقل نمره ۴۰ و حداکثر آن ۲۰۰ است. گویه‌های ۴، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۳۵ و ۳۸ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. نمرات پایین‌تر نشان‌دهنده انتظارات بدبینانه از ازدواج، نمرات بالاتر نشان‌دهنده انتظارات ایده‌آل‌گرایانه از ازدواج و نمرات حد وسط نشان‌دهنده انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج می‌باشند (حاج رضائی، ۱۳۹۸). جونز و نلسون برای کل مقیاس، آلفای کرونباخ ۰/۸۰ - ۰/۷۹ و دیلون ضریب ۰/۸۰ را گزارش دادند. همچنین آنها رابطه مثبت معناداری را بین نمرات مقیاس رومان‌تیک‌گرایی دین^۲ و مقیاس نگرش عشق^۳ به عنوان شواهدی بر روایی همگرایی این پرسشنامه نشان دادند. این مقیاس توسط نیلفروشان و همکاران (۲۰۱۰) در ایران هنجاریابی شد و همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و ضریب بازآزمایی در فاصله سه هفته ۰/۹۱ به دست آمد. در نتیجه ابزاری معتبر برای سنجش انتظار از ازدواج می‌باشد (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۸).

روش اجرا

پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، پاسخ‌های به دست آمده کدگذاری شد و داده‌های جمع‌آوری شده توسط نرم افزار SPSS ویرایش ۲۶ تجزیه و تحلیل شدند. با توجه به فرضیه‌های پژوهش، داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. به طوری که در بخش توصیفی شاخص‌های آماری نظیر، فراوانی، میانگین و انحراف معیار، نمره حداقل، نمره حداکثر، چولگی و کشیدگی و در بخش استنباطی، با استفاده از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه هر یک از فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفته تجزیه و تحلیل انجام شد.

یافته‌ها

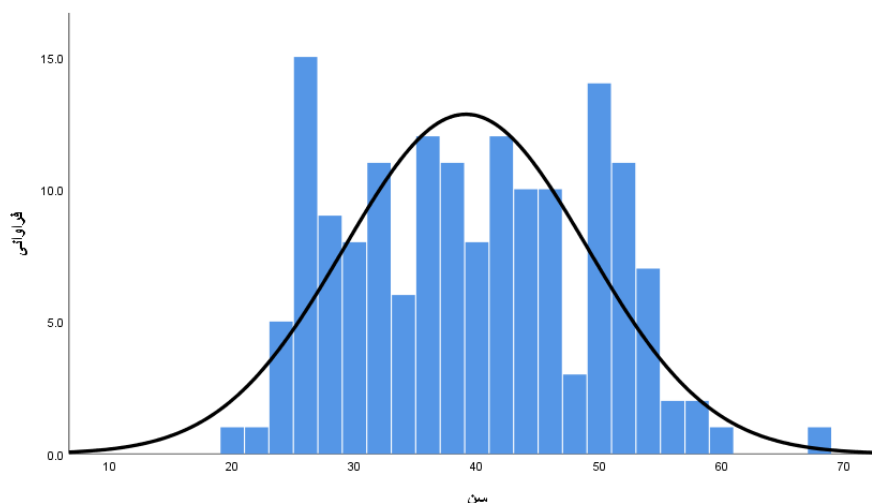
در این بخش ابتدا متغیرهای جمعیت شناختی شامل جنسیت، سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، سابقه زندگی مشترک و تعداد فرزندان مورد بررسی قرار گرفتند. سپس، در بخش آمار توصیفی با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون میزان

¹ Marriage Expectations Scale

² Dean Romanticism Scale

³ Love Attitude Scale

همبستگی متغیر ملاک و با هر یک از متغیرهای پیش‌بین بررسی شد. نهایتاً در بخش مربوط به آمار استنباطی با استفاده از آزمون رگرسیون خطی، توانایی پیش‌بینی متغیرهای مستقل بررسی شد.



نمودار شماره (۱). نمودار هیستوگرام توزیع فراوانی سن زوجین شرکت‌کننده در پژوهش

بر اساس یافته‌های جمعیت‌شناختی، آزمودنی‌ها از سن ۲۰ تا ۶۸ سال بودند که بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای ۵۰ سال بوده است. جنسیت افراد نمونه شامل ۱۲۷ نفر زن (۷۹٪/۴) و ۳۳ نفر مرد (۲۰٪/۶) بود. ۹ نفر (۵٪/۶) دارای تحصیلات زیر دیپلم، ۲۸ نفر (۱۷٪/۵) دارای تحصیلات دیپلم، ۶۸ نفر (۴۲٪/۵) دارای تحصیلات لیسانس، ۵۳ نفر (۳۳٪/۱) دارای تحصیلات فوق لیسانس و ۲ نفر (۱٪/۳) دارای تحصیلات دکترا بودند. ۷ نفر (۴٪/۴) بیکار، ۵۹ نفر (۳۶٪/۹) خانه‌دار و ۹۴ نفر (۵۸٪/۸) شاغل بودند. ۴۵ نفر از شرکت‌کنندگان (۲۸٪/۱) کمتر از ۵ سال، ۲۷ نفر (۱۶٪/۹) بین ۵ تا ۱۰ سال و ۸۸ نفر (۵۵٪) بالای ۱۰ سال سابقه زندگی مشترک داشتند. ۴۵ نفر از افراد نمونه (۲۸٪/۱) هنوز فرزندی نداشتند، ۵۷ نفر (۳۵٪/۶) دارای ۱ فرزند، ۴۵ نفر (۲۸٪/۱) دارای ۲ فرزند، ۱۱ نفر (۶٪/۹) دارای ۳ فرزند و ۲ نفر (۱٪/۳) بیش از ۳ فرزند داشتند.

جدول شماره (۱). نتایج بررسی شاخص‌های آماری مربوط به متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	میانگین	انحراف معیار	نمره حداقل	نمره حداکثر	چولگی	کشدگی
۱	طلاق عاطفی	۴/۷۲	۱۰/۸۸	۰/۰۰	۲۴	۱/۵۶	۱/۳۸
۲	سبک دلبستگی اجتنابی	۱۶/۳۲	۳/۸۷	۶	۲۶	-۰/۳۷	۰/۲۸
۳	سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	۱۴/۰۱	۶/۰۷	۶	۳۰	۰/۴۴	۰/۷
۴	انتظار از ازدواج واقع‌بینانه	۶۲/۶۷	۱۳/۴۹	۲۱	۸۵	-۱	۰/۷۸

جدول شماره (۱) نتایج بررسی شاخص‌های آماری مربوط به متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن بود که نمره میانگین طلاق عاطفی $4/72$ در بازه کمینه $0/00$ و بیشینه 24 قرار دارد. نمره میانگین سبک دلبستگی اجتنابی $16/32$ در بازه کمینه 6 و بیشینه 26 قرار دارد. نمره میانگین سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی $14/01$ در بازه کمینه 6 و بیشینه 30 قرار دارد. نمره میانگین انتظار از ازدواج واقع‌بینانه $62/67$ در بازه کمینه 21 و بیشینه 85 قرار دارد. برای ارزیابی میزان پراکندگی و نرمال بودن توزیع داده‌ها از دو شاخص آماری چولگی و کشیدگی استفاده شد. چولگی متغیرهای پژوهش از -1 الی $1/4$ و کشیدگی آنها از $0/7$ الی $1/8$ بود. چون مقدار چولگی در هیچ یک از متغیرها برابر با عدد صفر نمی‌باشد، توزیع اندکی نامتقارن بوده و دارای ضریب چولگی مثبت یا منفی است. همچنین، با توجه به اینکه مقدار چولگی و کشیدگی توزیع متغیرهای پژوهش از محدوده 2 و -2 فراتر نرفته است، می‌توان نتیجه گرفت که توزیع داده‌ها در حالت نرمال است.

جدول شماره (۲). تحلیل آماری همبستگی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
۱	سبک دلبستگی اجتنابی	$0/35$	$0/00$
۲	سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	$0/50$	$0/00$
۳	انتظار از ازدواج واقع‌بینانه	$-0/66$	$0/00$

بر اساس جدول شماره (۲)، با توجه به سطح معناداری که $(0/00)$ و کمتر از $0/01$ بوده $(P < 0/01)$ و ضریب همبستگی پیرسون، با احتمال 99% بین تمامی متغیرهای پژوهش رابطه معنادار وجود دارد؛ به این صورت که، بین سبک دلبستگی اجتنابی و طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به این معنا که با بالا رفتن نمره سبک دلبستگی اجتنابی نمره طلاق عاطفی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. بین سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و طلاق عاطفی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به این معنا که با بالا رفتن نمره سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی نمره طلاق عاطفی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. بین انتظار از ازدواج واقع‌بینانه و طلاق عاطفی رابطه منفی معنادار وجود دارد. به این معنا که با افزایش نمره انتظار از ازدواج واقع‌بینانه نمره طلاق عاطفی کاهش می‌یابد و بالعکس.

جدول شماره (۳). خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیر طلاق عاطفی

متغیر	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف استاندارد برآورد
پیش‌بین	$0/744$	$0/554$	$0/545$	$4/32765$

بر اساس یافته‌های جدول شماره (۳)، مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده (۰/۷۴۴) نشان می‌دهد مدل رگرسیونی حاضر می‌تواند جهت پیش‌بینی متغیر وابسته مورد استفاده قرار گیرد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (۰/۵۵۴) و ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۵۴۵) که مقداری نزدیک به یکدیگر دارند، می‌توان اینطور نتیجه‌گیری کرد که ۵۴/۵٪ واریانس متغیر طلاق عاطفی توسط متغیرهای پیش‌بین یعنی سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه تبیین می‌شود. به این معنا که ۵۴/۵٪ از پراکندگی مشاهده شده در متغیر طلاق عاطفی، توسط متغیرهای پیش‌بین توجیه می‌شود.

جدول شماره (۴). نتایج تحلیل واریانس مجموع مجزورات حاصل از رگرسیون

اثرات	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۶۲۶/۲۳۹	۳	۱۲۰۸/۷۴۶	۶۴/۵۴۰	۰/۰۰۰
باقی مانده‌ها	۲۹۲۱/۶۶۱	۱۵۶	۱۸/۷۲۹		
کل	۶۵۴۷/۹۰۰	۱۵۹			

بر اساس یافته‌های جدول شماره (۴)، با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ بوده ($P=۰/۰۰۰$) و مقدار F که برابر با (۶۴/۵۴۰) است، مدل ارائه شده به خوبی می‌تواند طلاق عاطفی را به عنوان متغیر وابسته، بر اساس متغیرهای پیش‌بین سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه تبیین و پیش‌بینی کند. در نتیجه با احتمال ۹۵٪، بین طلاق عاطفی و متغیرهای سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه در زوجین رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۵). نتایج تحلیل رگرسیون طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، انتظار از ازدواج و رضایت از زندگی

متغیرهای پیش‌بین	B	انحراف استاندارد	Beta	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱۴/۲۶۵	۲/۳۹۹		۵/۹۴۶	۰/۰۰۰
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۲۲۱	۰/۱۰۸	۰/۱۳۴	۲/۰۵۷	۰/۰۰۰
سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی	۰/۲۶۹	۰/۰۷۱	۰/۲۵۵	۳/۷۶۷	۰/۰۰۰
انتظار از ازدواج واقع‌بینانه	-۰/۲۷۰	۰/۰۲۷	-۰/۵۶۸	-۱۰/۰۸۴	۰/۰۰۰

بر اساس یافته‌های جدول شماره (۵)، با توجه به سطح معناداری که در متغیرهای سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه، (۰/۰۰) بوده و کمتر از ۰/۰۵ است ($P<۰/۰۵$)، با احتمال ۹۵٪ این سه متغیر پیش‌بین با طلاق عاطفی رابطه معنادار داشته و آن را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیونی یا

Beta، سبک دلبستگی اجتنابی (۰/۱۳۴) دارای رابطه مثبت با طلاق عاطفی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی (۰/۲۵۵) دارای رابطه مثبت با طلاق عاطفی و انتظار از ازدواج واقع‌بینانه (۰/۵۶۸-) به دلیل وجود علامت منفی دارای رابطه معکوس با طلاق عاطفی می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر تبیین و پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی و انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج در رابطه زوجین شهر تهران بود. با توجه به نتایج پژوهش حاضر، سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی توانایی پیش‌بینی طلاق عاطفی در رابطه زوجین را دارند. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های حسن اصفهانی، برجعلی و خانجانی (۱۴۰۱)، ملک‌لو و قربان جهرمی (۱۴۰۱)، رضانی فر، کلدی و قدیمی (۱۴۰۰)، رضایی و رضایی (۱۳۹۹) همسو می‌باشد. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت افرادی که دارای سبک دلبستگی ناایمن می‌باشند، احساس اعتماد به نفس و در کل اعتماد کمی به خود و دیگران دارند به همین دلیل در موقعیت‌های تنش‌زا و دشوار دچار ناکامی شده و سلامت روان آنها به خطر می‌افتد. نسبت به خود، دیگران و وقایع نگرشی منفی داشته و معمولاً بدبین هستند، که به سبب آن ارزیابی منفی‌تری داشته و هیجانات منفی‌تری را تجربه می‌کنند (نظری چگنی و همکاران، ۱۳۹۱).

افراد اجتنابی با الگوی کمینه‌ساز عاطفه^۱ با شیوه‌های غیرفعال‌ساز همچون واپس‌رانی، چشم‌پوشی و غیره استفاده می‌کنند. افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا/اضطرابی، سازو کار فعال‌ساز^۲ را در مواجهه با هیجان‌های منفی به کار می‌گیرند و با اغراق در تجربه هیجانی منفی، به دنبال جلب توجه و دریافت حمایت هستند. آن دسته از افرادی که دلبسته ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا/اضطرابی) هستند، راهبردهای هیجانی را به کار می‌گیرند که بر تجربه هیجانات منفی می‌افزاید. در افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند، احتمال بروز رفتارهای پرخطر مانند سوء مصرف مواد مخدر بالاست. به عقیده کارتر و گاپ (۲۰۰۲)، افرادی که سبک دلبستگی ناایمن دارند استرس و نگرانی بیشتر و رضایت از زندگی کمتری را نسبت به افرادی که دلبستگی ایمن دارند تجربه می‌کنند. افرادی که سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی دارند، دیگران را غیرقابل اعتماد و طردکننده در نظر می‌گیرند، به همین سبب از آنها فاصله گرفته و از کمک خواستن اجتناب می‌کنند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۷). زوجینی که دارای سبک دلبستگی ناایمن هستند، سطح اعتماد و صمیمیت کمتری را تجربه کرده و در نتیجه، احتمال تعارض و طلاق عاطفی در آنان بالاتر است (خلید و ارشد^۳، ۲۰۲۳).

از دیگر نتایج این پژوهش، پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج بود که با نتایج پژوهش‌های خدا پرست و همکاران (۱۴۰۰)، سید کاوسی، مردوخ و مقرب تورتولش (۱۴۰۰)، طاهری و محوی شیرازی (۱۳۹۸)، خوشنویس، مستوفی فر و کمالی (۱۳۹۶) همسو بود. در تبیین این فرضیه می‌توان گفت انتظارات واقع‌بینانه شامل باورها و نگرش‌هایی است که زوجین درباره چگونگی ازدواج، حل و فصل مسائل و مشکلات و درک رضایت از زندگی

¹ Affect Minimization

² Hyper Activation

³ Khalid & Arshad

زناشویی دارند. انتظارات واقع‌بینانه، انتظاراتی را در بر می‌گیرد که در سه حیطه صمیمیت^۱، برابری^۲ و توافق^۳ با حقایق زندگی همگونی بیشتری دارند. مواردی مانند اینکه از لحاظ هیجانی رابطه عمیقی را با همسر خود تجربه کنند، نمونه‌ای از صمیمیت در زندگی زناشویی است. همکاری درباره امور منزل و توافق بر سر مسئله فرزندآوری، نمونه‌های دیگری از این انتظارات است (نیلروشان و همکاران، ۱۳۹۰). بر اساس نظریه قراردادهای زناشویی سگر (۱۹۶۷)، انتظارات از ازدواج، تنها شامل مواردی که افراد از همسرشان می‌خواهند نیست بلکه مواردی را که تمایل دارند به همسر خود عرضه کنند نیز در بر می‌گیرد. زوجین باید انتظارات خود را واضح و صریح بیان کنند، زیرا انتظاراتی که به روشنی مطرح شوند به خواسته‌های مخرب و ناامیدکننده منتهی نمی‌شوند. حال اگر این انتظارات نامناسب و مبهم باشند، منجر به تنش و تعارض شده و در نهایت رضایت زناشویی را کاهش می‌دهند (فاتحی و صالحی، ۱۳۹۸). در نتیجه، هر چه انتظارات منطقی‌تر و واقع‌بینانه‌تر باشند احتمال سرخوردگی و تنش میان زوجین کاهش می‌یابد.

بر اساس دیدگاه شناختی، زوجین یک سری ایده‌آل‌ها و انتظاراتی دارند که شرایط عاطفی خود را توسط آنها ارزیابی می‌کنند. از دیدگاه شناختی مواردی از جمله سبک‌های دلبستگی زوجین، انتظارات غیرمنطقی، باورهای ارتباطی، شخصیت زوجین در ازدواج و هماهنگی و همسانی سازی‌های زوجین تأثیر مهمی بر ازدواج دارند. در صورتی که انتظارات زوجین در رابطه زناشویی آنان به صورت واقعی برآورده شود، تجربه احساس امنیت، ارزیابی درست از رفتارهای یکدیگر، تعاملات سازگارتر و سطوح بالایی از رضایت زناشویی را منجر می‌شود. ممکن است افراد انتظارات مخربی را شکل دهند که درست و منطقی نیستند. این موضوع منجر به افزایش بی‌ثباتی زناشویی شده و این انتظارات از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند (دیلیون، ۲۰۰۵).

همچنین بر اساس مدل آسیب‌پذیری-استرس-سازگاری^۴، کیفیت روابط زناشویی نتیجه تعامل ویژگی‌های فردی (مانند سبک‌های دلبستگی)، عوامل استرس‌زا (نظیر فشارهای اقتصادی و اجتماعی) و فرآیندهای سازگاری (از جمله انتظارات واقع‌بینانه از ازدواج) است. بر این اساس، می‌توان گفت طلاق عاطفی حاصل برهم‌کنش میان متغیرهای فردی و شناختی در بستر شرایط اجتماعی و فرهنگی است (کارنی و بردبری، ۱۹۹۵).

تشکر و قدردانی

بدین وسیله بر خود لازم می‌دانیم از تمامی شرکت‌کنندگان عزیزی که ما را در فرآیند اجرای این پژوهش یاری نمودند، کمال تشکر و سپاسگزاری را ابراز نماییم.

منابع

احمدلو، مریم؛ زینالی، علی. (۱۳۹۶). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس تنوع طلبی، کمالگرایی منفی و دلبستگی ناایمن در زنان شاغل شهر ارومیه. *دو ماهنامه سلامت کار/ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، خرداد و تیر ۱۳۹۷، ۶۸-۵۹.

¹ Intimacy

² Equality

³ Compatibility

⁴ Vulnerability-Stress-Adaptivity

⁵ Karney & Bradbury

- افراسیابی، حسین؛ دهقانی دارامرود، رقیه. (۱۳۹۵). زمینه‌ها و نحوه مواجهه با طلاق عاطفی میان زنان شهر یزد. زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۵، ۲۷۱-۲۵۵.
- بشارت، محمد علی؛ شهرایی فراهانی، هانیه؛ سامانی عمانی، رضا؛ رضازاده، محمدرضا. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سازگاری با ناباروری بر اساس سبک‌های دلبستگی در زنان نابارور. رویش روانشناسی، سال هفتم، شماره ۱۱، پیاپی ۳۲، ۱۱-۳۳.
- جلالوند، مژگان؛ نوایی نژاد، شکوه؛ رضازاده بهادران، حمیدرضا؛ خسروی بابادی، علی اکبر. (۱۴۰۰). مدل‌یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی‌گری تنظیم هیجان در زنان متأهل. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۳(۱) پیاپی ۱۰، ۱۷۷-۲۰۶.
- حاج رضائی، بهار. (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی رویکردهای مختلف بر بهبود انتظار از ازدواج دختران مجرد مانده. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲، ۵، ۱۸۲۳-۱۸۱۵.
- حسن اصفهانی، مصطفی؛ برجعلی، احمد؛ خانجانی، مهدی. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت جنسی براساس سبک‌های دلبستگی، سبک‌های هویت و مثلث عشق. فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال هجدهم، شماره ۷۰، ۲۸۷-۳۰۷.
- خداپرست، عطا؛ لاغوثی، دل‌آرا؛ علیزاده، مهستی؛ گیلانی، ندا. (۱۴۰۰). انتظار از ازدواج و عوامل مرتبط با آن در زوجین تازه ازدواج کرده، در مرکز مشاوره قبل از ازدواج در تبریز. مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز، بهمن و اسفند ۱۴۰۰، ۴۳ (۶)، ۵۴۲-۵۳۳.
- خوشنویس، الهه؛ مستوفی‌فر، اعظم؛ کحالی، ریحانه. (۱۳۹۶). پیش‌بینی رابطه انتظار از ازدواج براساس جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های دلبستگی. فصلنامه علمی-پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی، سال نهم، شماره دوم، زمستان ۱۳۹۶ (پیاپی ۳۴)، ۹۷-۱۱۲.
- دهقانی تفتی، زهرا؛ محمدی، اصغر؛ حقیقتیان، منصور. (۱۳۹۸). بررسی جامعه‌شناسی پیامدهای اجتماعی طلاق عاطفی زنان شهر تهران طی سال‌های ۹۶-۹۷ بر اساس معادلات ساختاری. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، پیاپی (۲۴)، شماره اول، ۹۷-۱۱۵.
- رضازاده، مسعود؛ صدری دمیرچی، اسماعیل؛ قمری کیوی، حسین. (۱۳۹۸). اثربخشی برنامه آموزش پیش از ازدواج بر نگرش درباره ازدواج، تاب‌آوری و انتظار از ازدواج. مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۲۷)، ۱۰۹-۱۲۴.
- رضایی، مریم؛ رضایی، سحر. (۱۳۹۹). پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های دلبستگی، صمیمیت زناشویی و هوش هیجانی. فصلنامه علمی رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، دوره دوم، شماره چهارم، ۲۷۷-۲۹۰.
- سرخابی عبدالملکی، مریم؛ دوکانه‌ای فرد، فریده؛ بهبودی، معصومه. (۱۴۰۱). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس سبک‌های دلبستگی و باورهای فراشناختی در زنان: نقش واسطه‌ای فرسودگی زناشویی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، دوره ۳، شماره ۳، پیاپی ۱۲، پاییز ۱۴۰۱، ۵۶۲-۵۳۶.

سید کاوسی، سپیده سادات؛ مردوخ، محمد سعید؛ مقرب تورتولش، مینا. (۱۴۰۰). پیش‌بینی انتظار از ازدواج براساس باورهای ارتباطی و نگرش به ازدواج در دختران آستانه ازدواج. *فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی*، ۲ (پیاپی ۵)، ۳۷۱-۳۵۱.

صلاحی، علی اکبر؛ یاسبلاخی شراهی، شبیم؛ آقایارزاده قلعه جوق خاطره؛ وکیلی ازغندی، نیکو. (۱۴۰۱). *آزمون‌های روانشناختی/اختلالات بالینی و هوش (جلد ۲)*. تهران: نشر آذرفر.

صلاحی، علی اکبر؛ یاسبلاخی شراهی، شبیم؛ آقایارزاده قلعه جوق، خاطره؛ وکیلی ازغندی، نیکو. (۱۴۰۱). *آزمون‌های روانشناختی ورزشی و تشخیص ابعاد فردی (جلد ۳)*. تهران: نشر آذرفر.

طاهری، زهرا؛ محوی شیرازی، مجید. (۱۳۹۸). رابطه انتظار از ازدواج و تحمل پریشانی با سازگاری زناشویی زنان. *پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصلنامه علمی-پژوهشی*، سال دهم، شماره اول، ۹۹-۱۱۶.

فداکار، سعید. (۱۳۹۵). رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار و انسجام خانواده با طلاق عاطفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. فاتحی، شیماء؛ صالحی، رضوان. (۱۳۹۸). مقایسه انتظارات از ازدواج در افراد مهرطلب و افراد مهربان. *رویش روانشناسی*، سال ۸، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۷، صص ۱۳۱-۱۲۱.

لطفی، سعید؛ کراسکیان موجباری، آدیس. (۱۴۰۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی والدین و سبک‌های دلبستگی فرزندان: نقش واسطه‌ای واکنش‌های هیجانی. *فصلنامه پرستار و پزشک در رزم، بهار ۱۴۰۰*، سال نهم، ۵۳-۴۴. ملک‌لو، عاطفه؛ قربان جهرمی، رضا. (۱۴۰۱). بررسی رابطه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا با سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل. *فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی*، دوره ۱۴، شماره ۱۸، پاییز ۱۴۰۱، ۱۸-۱. نظری چگنی، اکرم؛ بهروزی، ناصر؛ شیخ شبانی هاشمی، سید اسماعیل؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی یا افسردگی و رضایت از زندگی با میانجیگری خوشبینی و حمایت اجتماعی. *مجله دست آوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روانشناسی)*، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره چهارم، سال ۱۹-۳، شماره ۲، ۸۱-۱۰۰.

نیلفروشان، پریسا؛ عابدی، احمد؛ نویدیان، علی؛ احمدی، سید احمد. (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی، اعتبار و روایی مقیاس انتظار از ازدواج. *مجله علوم رفتاری*، دوره ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، ۱۹-۱۱. وطن خواه، حوریه؛ کوچک انتظار، رویا؛ قنبری پناه، افسانه. (۱۴۰۰). پیش‌بینی طلاق عاطفی براساس انعطاف پذیری شناختی و معنای زندگی با میانجی‌گری تعادل کار-زندگی. *رویش روانشناسی*، سال ۱۰، شماره ۹، پیاپی ۶۶، آذر ۱۴۰۰، ۱۷۲-۱۶۱.

یکانی‌زاد، امیر؛ سیمان‌نژاد، اکبر؛ حاجی‌زاده، نوریه. (۱۴۰۱). اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر رویکرد ارتباطی ستیر بر فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زوجین متقاضی در شهرستان تبریز. *رویش روانشناسی*، سال ۱۱، شماره ۹، پیاپی ۷۸، ۱۳۴-۱۲۵.

- Amato, P. R. (2014). The consequences of divorce for adults and children. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 1269–1287.
- Alharbi, N., & Alqahtani, S. (2021). Investigating the relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(8), 583–598.
- Barati, H., & Asghari, M. (2023). Predicting emotional divorce based on self-differentiation and marital expectations in women. *Psychology of Women Quarterly*, 47(1), 34–49.
- Cherlin, A. J. (2010). *The marriage-go-round: The state of marriage and the family in America today*. Vintage.
- Dillion, H. N. (2005). *Family Violence and Divorce: Effects on Marriage Expectations*.
- Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2012). *Family Therapy: An Over view*: Cengage Learning.
- Gubbins, E. J. (2020). Investigating the relationship between emotional divorce, self-efficacy and marital expectations. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(5), 353–370.
- Khalid, A., & Arshad, M. (2023). Trust in romantic relationships: The influence of attachment style on dyadic trust. *Frontiers in Psychology*, 14, 1154369.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (1995). The longitudinal course of marital quality and stability: A review of theory, methods, and research. *Psychological Bulletin*, 118(1), 3–34.
- Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. Guilford Press.
- Luminita, A., & Speranta, P. (2010). Emotional Consequences of Parental Divorce and Separation on Preschool Children. *Journal of Mental Health*, 7(3), 297-296.
- Luminița, A., & Speranța, C. (2010). Emotional divorce and its consequences for couples. *Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 5(3), 215–227.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change* (2nd ed.). Guilford Press.
- Motataianu, I. R. (2015). The Relation Between Anger and Emotional Synchronization in Children from Divorced Families. *Social and Behavioral Science*, 203, 158-162.
- Motatayanou, A. (2015). Emotional divorce in modern marriages. *Journal of Family Studies*, 21(4), 487–503.

- Qutb, H., Alqahtani, S., & Al-Mutairi, F. (2023). The impact of emotional divorce on the mental health of married women. *PLOS ONE*, 18(11), 22-39.
- Ramazanifar, M., Kaldi, A., & Ghadimi, F. (2020). Structural equation modeling of emotional divorce based on maladaptive schemas. *Journal of Family Psychology*, 34(2), 145–158.
- Yang, X., Zhu, L., Chen, Q., Song, P., & Wang, Z. (2016). Parent Marital Conflict and Internet Addiction among Chinese College Students: The Mediating Role of Father-Child, Mother-Child, and Peer Attachment. *Computers in Human Behaviour*, 59, 221-229.

